مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

نگارنده: فضل‌الرحمن فاضل

۲۰۲۱/۰۳/۰۱

# به مناسبت صدمین سالگرد تأسیس روابط دیپلوماتیک افغانستان و ترکیه

***(اول مارچ 1921- اول مارچ 2021م)***

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

# عبدالرحمن پشاوری نخستین نمایندۀ سیاسی ترکیه در افغانستان


**چکیده:**

*مردمان افغانستان و ترکیه روابط و پیوندهای دیرینه ای دارند که سده‌ها از آن سپری می‌گردد ، وجود آرامگاه همیهن ما مولانا جلال الدین محمد بلخی در قونیه بازگو کنندۀ یکی از این پیوندها است، افزون بر آن بیدارگر شرق دانشمند مشهور سرزمین ما سید جمال الدین افغانی، آخرین سال های زندگی اش را در استانبول ترکیه به سر برده و در آنجا در سال 1897 م وفات یافته و نخست در همان‌جا به خاک سپرده شده، سپس جنازه اش در حدود نیم قرن بعد به کابل آورده شده است*

*با امضای معاهده دوستی میان افغانستان و ترکیه که از جانب افغانستان توسط محمد ولی خان دروازی و از جانب ترکیه توسط یوسف کمال و داکتر رضا نور به تاریخ 11 حوت 1299 هجری خورشیدی برابر با اول مارچ 1921م در مسکو به امضا رسید ، استقلال افغانستان به رسمیت شناخته شد و از سرگیری روابط ساسی میان دوکشور آغاز گردید.*

*با تأسیس روابط دیپلوماتیک میان افغانستان و ترکیه، حکومت ملی ترکیه به زعامت مصطفی کمال اتاترک در یک اقدام کم‌نظیر ، عبدالرحمن پشاوری را علی‌الرغم اینکه ترک نیست و هنوز یک دهه از اقامتش در ترکیه سپری نشده است، جهت تقدیر از ایثارگری‌های او، به حیث نخستین نماینده سیاسی ترکیه به افغانستان مستقل اعزام می‌کند. این مقاله زندگینانۀ رنگین این شخصیت را در صدمین سالگرد تأسیس روابط دیپلومامتیک میان دو کشور بازتاب می دهد.*



**واژگان کلیدی:**

*شاه امان الله، اتاترک ،بالکان، خان عبدالغفارخان، کابل، ترکی لالا*


## ***پیشنینۀ خانوادگی عبدالرحمن پشاوری***

خانوادۀ معروفی در پشاور زندگی می‌کند که به نام صمدانی مشهور است. این شهرت با نام بزرگ این خانواده الحاج غلام صمدانی پیوند دارد. او از پشتون های کشمیر بوده و در دهه های نخست سدۀ نزده میلادی زادگاهش «باره موله» یا بارامولا[1] را ترک می‌گوید و در پشاور متوطن می‌شود. (مصاحبه،22فبروری2021)

صمدانی (1827-1926) مرد تجارت پیشه و خیّری است ، در پشاور آن زمان که بخشی از هند بریتانوی به شمار می‌رود به حیث پیمانکار یا «تیکه‌دار» در پهلوی کارهای تجاری دیگر با حکومت نیز مشغول همکاری و فعالیت است ، در سلسلۀ سهم گرفتن در کارهای خیر، یکی هم نقش فعال او در بازسازی مسجد مشهور قاسم‌علی‌خان در پشاور است. صمدانی دارای کتابخانه‌ای هم است و نسخه‌های خطی و نفیسی هم در اختیار دارد؛ اما توجه او بیشتر به آموزش و پرورش فرزندانش است.

[1] )Baramulla




افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

پسران او هم شخصیت‌های مشهوری اند که در اداره و سیاست آن زمان شبه قارهٔ هند دارای نقش بارز اند. عبدالعزیز پسر بزرگ صمدانی از فعالان و شخصیت‌های حزب مسلم لیگ است ومرد مورد اعتماد محمد علی جناح. او قبل از تشکیل پاکستان در سال 1946 م وفات می‌کند. ( شاه جهانپوری، 1979) برادر دیگر او محمد یحیی جان نام دارد که در سال 1901م در پشاور تولد شده است و از فعالان سیاسی صوبه سرحد آن زمان (پشتونخوا) به شمار می‌رود. او عضویت پارلمان ایالتی صوبه سرحد را به دست می‌آورد و درکابینهٔ داکتر خان صاحب به حیث وزیر معارف ایفای وظیفه کرده است. نام داکتر خانصاحب خان؛ عبدالجبار خان (1883-1958) است و برادر خان عبدالغفار خان. یحیی جان در ضمن داماد خان‌عبدالغفارخان (1890-1988) نیز است که با دختر او «مهرتاج» از دواج کرده و ثمرهٔ آن پیوند، ژورنالیست مشهور پشتونخوا آقای محمد سلیم جان است. پسر دیگر صمدانی محمد یونس نام داردکه در سال 1916 م در ایبت‌آباد تولد شده و درس‌ها را در اسلامیه کالج پشاور به پایان برده است. اما او بعد از فوت پدر، در نهضت آزادی هند سهم فعال می‌گیرد و ترجیح می‌دهد تا بعد از جدایی پاکستان و هند، در هندوستان به سر برد و در هند آزاد، دوست نزدیک جواهر نهرو، خانواده او و سایر احرار و مبارزان هندی به شمار می‌رود. با آزادی هند او به وزارت امور خارجه هند پیوست و در گسترش روابط تجارتی میان هند و جهان نقش بارزی ایفا کرد که تاسیس "پرگتی میدان[2]" در دهلی جدیدکه سالانه نمایشگاه‌های تجاری و صنعتی در آنجا برگذار می‌گردد، محصول فکر و اندیشه اوست. محمد یونس افزون بر این که در سال 1989 م به عضویت پارلمان هند یا "راجه سبها[3]" درامده به حیث دیپلومات عالی‌رتبه هند در کشورهای اندونیزیا، عراق ، ترکیه و الجزایر خدمت کرده و در جلسات نهضت عدم انسلاک از کشورش هند نمایندگی کرده است.

اما عبدالرحمن پشاوری شخصیتی که می‌خواهیم به مناسبت صدمین سالگرد تاسیس روابط دیپلوماتیک افغانستان و ترکیه از او حرف بزنیم ، پسر آزاده و انقلابی الحاج غلام صمدانی است که در سال 1886 م در پشاور تولد شده است درس‌ها را در مدرسه عالی «ادوارد کالج» پشاور به پایه تکمیل رسانده و سپس جهت تحصیلات عالی به پوهنتون علی گهر رفته است. علی‌گهر که توسط سر سید احمد خان (1817-1898) در سال 1875م تاسیس شده است، در آغاز نام آن مدرسه العلوم مسلمانان هند بود و دو سال بعد «محمدن اینگلو اورینٹل کالج[4]» نامیده شد، سپس به علی‌گر مسلم یونیورستی [5]یا دانشگاه مسلمانان علی‌گر تغییر نام داد.

پدر عبدالرحمن پشاوری به مثابه دوست نزدیک سرسید احمد خان، به آن نهاد تعلیمی کمک مالی نیز می‌کرد.

عبدالرحمن پشاوری در دورانی که مشغول تحصیل در دانشگاه علی گر بود،جنگ بالکان/ بالقان آغاز می‌گردد. یعنی در سال 1912 م کشورهای بالکان مثل بلغارستان، یونان،صربستان و سایر همنژادان‌شان بر نیروهای امپراتوری عثمانی حمله‌ور می‌شوند که در نتیجه غلبه از کشور های حوزه بالکان است و منجر به جدایی آن کشورها از پیکر امپراتوری عثمانی می‌گردد. مسلمانان در برخی کشور ها آمادهٔ کمک با امپراتوری عثمانی می‌گردند از جمله گروهی از رضاکاران هندوستانی به قیادت داکتر مختار احمد انصاری که قصد داشتند تا درپهلوی ترکیه به مجروحان ارتش ترکیه عثمانی کمک کنند، از طریق بمبیی رهسپار استانبول گردیدند. این گروه که هیأت یا وفد مردمی به امپراتوری عثمانی نامیده می‌شد مجموعاً از پنج داکتر و 19 تن کسانی که کمک‌های اولیه طبی را آموزش دیده بودند، تشکیل یافته بود که عبدالرحمن پشاوری نیز یک تن از آنان بود.

عبدالرحمن پشاوری اگرچه پسر شخص ثروتمندی چون الحاج غلام صمدانی بود؛ اما پدر نمی‌خواست پسرش به این کاروان بپیوندد و علاقمند بود تا پسرش تحصیلات خود را ادامه دهد و عبدالرحمن پشاوری هم با خود آن قدر پول نداشت تا هزینهٔ سفر را بتواند بدون همکاری پدر تهیه کند. از همین‌رو، او دست به فروش بالاپوش خود زد تا خرج سفر را به دست آورد. داستان فروش بالاپوش او را دوستش ظفر حسن آیبک در کتاب خاطرات خویش درج کرده است که خواندن آن جالب است به این شرح:

«عبدالرحمن بیک فرزند حاجی صمدانی پشاوری و خانواده اش اصلاً از کشمیر و پدرش تیکه دار مشهور پشاور بود. در زمان وقوع جنگ بالکان در سال 1912 که مسلمانان شبه قاره یک هیأت هلال احمر را به سرکردگی داکتر انصاری جهت تداوی مجروحان جنگ به ترکیه اعزام می‌کردند، عبدالرحمن در آن وقت در پوهنتون (دانشگاه) علیگرهـ مشغول تحصیل بود. او می‌خواست این هیأت را همراهی کند، اما پدرش برای او اجازه نداد، اما عبدالرحمن بالاپوش خود را به فروش رسانده، پول سفرش را آماده کرد و داستان فروش بالاپوش او اینگونه بود که وقتی او بالاپوشش را به فروش رساند، همصنفانش بالاپوشش را دوباره خریده و به او سپردند. اما باز او آن را به فروش رساند و با تکرار این خرید و فروش مجدد، او صاحب آن قدر پول شد تا خرج سفرش را پوره کند.» (ظفر حسن ، 1395: 375)

[2] ) Paragati Maidan

[3] ) Rajya Sabha

[4] ) Muhammadan Anglo-Oriental College

[5] ) ) Aligarh *Muslim University* (AMU)



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

کاروان رضا کاران هندوستانی به تاریخ 15 دسمبر 1912م بمبیی را ترک گفت و از راه خلیج عدن و کانال سویس و عبور از اسکندریه، دوهفته بعد به استانبول رسید. این قافله مورد تشویق بزرگان و آزادگان نیم قارهٔ هند قرار گفت که در رأس آنان حکیم اجمل خان (1868-1927) ، ابوالکلام آزاد (1888-1958) ، مولانا محمد علی جوهر(1878-1931) و ادیب مشهور الطاف حسین (1837-1914) حالی قرار داشتند . گزارش سفر و فعالیت آن ایثارگران در مجله «الهلال» به مدیریت ابوالکلام آزاد نیز بازتاب یافت. هیأت مردمی طبی بعد از انجام و ظیفه و خدمت به مجروحان ارتش ترکیه عثمانی در چهارم جولای 1913 م به هندوستان عودت کرد ، اما از آن میان یگانه کسی که تصمیم گرفت بقیه عمر خویش را در خدمت ترکیه قرار دهد جوان بیست و شش سالهٔ افغان عبدالرحمن پشاوری بود.

**پشاوری خدمتگزار ترکیه**

عبدالرحمن پشاوری که در جنگ‌های بالکان در پهلوی رءوف اوربای (1881-1964) ایثارگرانه سهم گرفته بود، مورد توجه این نظامی باتجربه و غیور ترکی قرار گرفت. رءوف اوربای همان کسی است که فرماندهی رزمناو حمیدیه عثمانی را درجنک بالکان بر عهده داشت و در پهلوی مصطفی کمال (1881-1938) در میان نظامیان ترکیه چهرهٔ بارزی بود واین خدمات و فداکاری‌های او باعث شده بود که تا به مقام نخست وزیری ترکیه برسد. عبدالرحمن پشاوری که دلدادهٔ تعلیمات نظامی بود به کمک رءوف اوربای بعد از پایان جنک بالکان به بیروت اعزام گردید، با آغاز جنگ جهانی اول عبدالرحمن پشاوری به ترکیه عودت کرد و به مثابهٔ فردی از ارتش ترکیه در برابر مهاجمان رزمید و سه بار زخم برداشت. استانبول زمانی که به اشغال نیروهای مهاجم درامد و مصطفی کمال و یارانش نهضت ملی ترکیه را در انقره رهبری می‌کردند؛ عبدالرحمن پشاوری هم خود را به انقره رسانده بود و درپهلوی مصطفی کمال اتاترک ودیگر رهبران ترکیه از کیان و هویت ترکیه دفاع می‌کرد و به خاطر آشنایی اش با زبان انگلیسی با آژانس خبری اناتولیا نیز در همین دوران همکاری داشت. ( مصاحبه،22فبروری2021)

عبدالرحمن پشاوری نقش دیگری هم به سود نیروهای ترکیه در جنگ جهانی اول ایفا کرده است که ظفر حسن در خاطراتش از آن چنین یادآوری می‌کند:

«دردوران جنگ اول جهانی در سال 1915م یک هیأت نظامی ترکی که ریاست آن را رؤوف بیک افسر دلاور نیروهای بحری آن کشور برعهده داشت،- و نامبرده همان کسی است که در جنگ بالکان به حیث فرمانده کشتی جنگی "حمیدیه کرویزر" بر کشتی های جنگی و تجارتی یونانی ها حمله کرده، آنان را شکست داده و بعد از پایان جنگ آزادی ترکیه، به حیث صدر اعظم تعیین شده بود-، از راه ایران به افغانستان عزیمت کرد.» (ظفر حسن ، 1395: 376)

رؤوف بیک، که از طرف اتاترک به این مهم گماریده شده بود ، به اتاترک گفته بود: « من از افغانستان تنها نام آن را می‌دانم.» (اتاترک،2004 : 140)

از همین‌رو، رءوف بیک عبدالرحمن پشاوری را به خاطر اینکه زبان‌های پشتو و فارسی می‌دانست، در این هیأت شریک ساخت. در علاقه خاور ایران این هیأت با یک دسته رزمی انگلیسی رو به رو شد. عبدالرحمن پشاوری تعدادی از حجاج افغانی را که از راه خشکه عازم حج بودند و اتفاقاً با هم سر خورده بودند، جمع نموده و با دلاوری تمام با آن دسته نظامی انگلیس مقابله کرد و هیأت را از اسارت به دست انگریز ها نجات داد. عبدالرحمن پشاوری در این جنگ زخمی‌گردید، وبا وجود شکست دستهٔ رزمی انگلیس، هیأت ترکی از ایران سوی افغانستان قدم نگذاشت، بلکه مجدداً به ترکیه عودت کرد. عبدالرحمن بعد از اینکه به استانبول آمد به کمک رؤوف بیک شامل کالج نظامی ترکیه گردید و پس از دوسال تحصیل، به حیث افسر در ارتش ترکیه شامل شد.» (ظفر حسن ، 1395: 378)

پس از متارکه جنگ اول جهانی که انگریزها در 16 مارچ 1920م استانبول را اشغال کردند، او به زندگی پنهانی رو آورد تا در اسارت انگریزها نیفتد ، رؤوف بیک وقتی اطلاع یافت که انگریزها می‌خواهند پارلمان ترکیه را منحل کنند، عبدالرحمن پشاوری را طور خفیه به انقره فرستاد تا در آنجا در ارتش ترکیه که غازی مصطفی کمال فرماندهی آن را برعهده دارد، شامل گردد.

**پشاوری سفیر ترکیه در افغانستان:**

حکومت ملی ترکیه از یک طرف در برابر یورشگران یونانی که به تشویق انگریزها و فرانسوی‌ها می‌خواستند وطن آبایی هفت قرنه ترکی ها یعنی اناتولی (آسیای کوچک) را در اشغال خود در آورند، مقابله می‌کرد و از طرف دیگر می‌خواست به آن عده کشورهای خارجی که حکومت ملی ترکیه را به رسمیت شناخته اند، سفیر اعزام دارد و با آن ها روابط سیاسی برپا دارد.

افغانستان از نخستین کشور هایی بود که حکومت ملی ترکیه می‌خواست با آن روابط سیاسی برقرار کند، از همین رو بنا بر تصمیم حکومت ملی ترکیه مبنی بر اعزام سفیر به افغانستان، غازی مصطفی کمال، عبدالرحمن پشاوری را به این وظیفهٔ مهم انتخاب کرد و او از راه ایران به افغانستان رسید.

ظفر حسن به عنوان شاهد آن دوران که روابط صمیمانه با عبدالرحمن پشاوری در کابل و استانبول داشت، سفر این سفیر آزاده را با دشواری هایی که متحمل شده است، این گونه به تصویر می‌کشد:



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

«عبدالرحمن در آخرین مرحله سفر به خاطر قلت زاد راه، بسیار جاها پیاده سفر کرد، ملازمش او را در نیمه راه تنها گذاشت و او به تنهایی خود را به غزنی رساند، حاکم غزنی آمدن او را تیلفونی به وزیر خارجه {محمود طرزی} اطلاع داد، حکومت افغانی با عزت تمام در تابستان سال 1921م آمدن او را به کابل تنظیم کرد، اما در پهلوی آن، حکومت افغانی اعتماد نامه (استوار نامه) اش را به دیده شک می‌نگریست و تا زمانی که در مورد تعیینش از طرف سفیر افغانستان مقیم انقره احوال نیامد، وظیفه او را به حیث سفیر معطل قرار دادند. با وجود آن او را در قصر عین العماره که قبلاً جمال پاشا{افسر عالی‌رتبه ترک}، سکونت داشت جای دادند، این قصر اکنون به حیث سفارتخانه ترکیه در کابل، مورد استفاده است. »(ظفر حسن ، 1395: 378)
بلی مصطفی کمال اتاترک که شاهد فداکاری و اخلاص صمیمانه عبدالرحمن پشاوری بود وبه دلیل آشنایی اش با زبان های فارسی و پشتو در پهلوی اردو، ترکی و انگلیسی او را به حیث نخستین نماینده سیاسی ترکیه در افغانستان آزاد و مستقل در عهد فرخندهٔ امانی ، اعزام داشت و موصوف هم در تحکیم روابط میان افغانستان وترکیه فعالانه سهم گرفت و در ضمن وطنش شبه قارهٔ هند را که زیر استعمار انگریز قرار داشت نیز از یاد نبرد و با اعضای حکومت موقت هند که توسط مهندرا پرتاب (1886-1979) در کابل تأسیس شده بود، به ویژه با شخصیت مهم و محوری آن، مولانا عبیدالله سندی وسایر احرار هندی در تماس و همکاری دایمی قرار داشت .
در ایامی که عبدالرحمن پشاوری در کابل به سر می‌برد پدرش و بردرانش به دیدنش آمدند واز او خواستند تا تا به زادگاهش پشاور برود، اما او از اینکه هنوز پشاور سرزمین آزاد محسوب نمی‌گردد و انگریز بر آن فرمان می‌راند، حاضر به رفتن آن دیار نشد (مصاحبه،22فبروری2021) و با تعیین سفیر جدید ترکیه در کابل جنرال فخرالدین پاشا (1868-1948)، اومجددا به ترکیه سرزمینی که خود را وقف خدمت آن کرده بود، رهسپار شد .
در ترکیه هم وقتی که مولانا عبیدالله سندی و شماری از احرار هندی به استانبول رفتند، عبدالرحمن پشاوری با شناختی که با مقامات عالی و نخبگان ترکیه داشت، مبارزان هندی را باآنان آشنا ساخت. از جمله ملاقات مولانا عبیدالله سندی را با شخصیت مشهور ترکیه اسعد فؤاد بیک پسر مارشال فؤاد پاشا آشنا ساخت و موصوف برای احرار هندی که شماری در استانبول به سر می‌بردند کمک مالی می‌کرد.

شهادت عبدالرحمن پشاوری:
سرانجام این شخصیت آزادهٔ هند در تابستان سال 1925 م در حالی که کمتر از چهل سال عمر داشت ، مورد سوء قصد گرفت و در استانبول به شهادت رسید. داستان شهادت او را ظفر حسن چنین نقل کرده است:
در موسوم گرمای سال 1925م من در روزنامه، خبر این سانحه را مطالعه کردم که عبدالرحمن بیک پشاوری که ناوقت شب از محله "اخلامور" گذر می‌کرد و به سوی خانه خود واقع در محلهٔ نشانطاشی در حرکت بود، مورد فایر قرارگرفت، زخمی و بیهوش گردید. او دچار خونریزی شده و چند ساعت در خیابان افتاده بود. سرانجام چوکیدار محله در حین گشت او را به این وضع مشاهده کرده و به پولیس اطلاع داده بود. عبدالرحمن پشاوری به شفاخانه انتقال داده شد و زخم هایش پانسمان گردید، اما چون به اثر اصابت مرمی، ستون فقرات او شکسته بود، هر دو پایش فلج گردید. من روز دیگر شفاخانه رفته او را عیادت کردم، او درآن حال به هوش بود، اما پایین از کمرش، قطعاً حرکت نداشت. بعد از آن من هر روز جهت عیادت او به شفاخانه می‌رفتم. وضع او رو به بهبودی می‌رفت و از ظاهرش بر می‌آمد که با وجود مفلوج بودن، امید بهبودی اش می‌رود . از همین رو من عیادت روزانه را ضروری نپنداشته یک روز در میان، به عیادت او می‌رفتم، اما آخرین باری که به شفاخانه رفتم او را در حالت نزع یافتم که همان روز وفات یافت و درقبرستان "ماچقه" دفن گردید.» ( ظفر حسن ، 1395: 490)
مرگ او را برادرزاده اش محمد سلیم جان تشابه جسمی وی با "رءوف بی" می‌داند که رهبری حزب مخالف حکومت بر سراقتدار ترکیه را بر عهده داشت.( مصاحبه،22فبروری2021) اما ظفر حسن آیبک آن را محض قتل به خاطر دست یافتن به مال و متاع دنیایی در پس کوچه های تاریک استانبول می داند. (اپنی بیتی ، 1990: 309)
اسعد فؤاد بیک شخصیت مشهور ترکیه دستور داد تا بر آرامگاه او کتیبهٔ ذیل به زبان ترکی کنده کاری شود:

«بلقان حر بنده هند هلال احمر ایله استانبوله گله رک بلقان و استقلال حربلرنده توركيه ايچون قانني آقيتان و1341هـ {ق} وه مجهول بر شخص طرفندن شهيد ايدلين اسبق توركيه افغان ممثلی عبدالرحمن غلام صمدانی بک، روحنه فاتحه.» ( همان: 310)
"عبدالرحمن بیک غلام صمدانی شخصیت آزاد هند که در جنگ بالکان از طرف هلال احمر استانبول مشغول خدمت بود، در جنگ بالکان و جنگ استقلال ترکیه خدمت فراموش ناشدنی انجام داد و درسال 1341 هـ ق {1925 م} از طرف شخصی ناشناسی به شهادت رسید. او سفیر سابق ترکیه در افغانستان بود، فاتحه نثار روح او باد!!"
عبدالرحمن پشاوری تا اخر ازدواج نکرد، از همین رو، از او فرزندای به جا نمانده است و در خانوادهٔ بزرگش در پشاور برادران کوچکش از او به نام « ترکی لالا» و برادرزاده هایش از او به نام «ترکی کاکا/ ترکی چچا» یاد می‌کنند. ( مصاحبه،22فبروری2021)


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

روان این شخصیت آزاده که در راه خدمت به انسانیت مرز نمی‌شناخت شاد باد.

## منابع:


1 - افغانستان از سلطنت امیر حبیب الله خان تا صدارات سردار محمد هاشم خان، ظفرحسن ایبک، ترجمه و تحشیه فضل الرحمن فاضل، چاپ چهارم، 1395، قاهره

2 - خاطرات( اپنی بیتی) مإلف ظفر حسن آیبک، مرتب: داکتر غلاتم حسین ذوالفقار، سال چاپ 1990م ناشر رفاعی پرنترز، لاهور پاکستان.

3 - غازی عبد الرحمن شهید پشاوری، از ابو سلیمان شاهجهان پوری،ایجوکیشنل پریس، کراچی1979م-

4- متن مصاحبه با محمد سلیم جان برادر زاده عبدالرحمن پشاوری نشر شده به تاریخ 22 فبروری در 2021The Express TRIBUNE

5- ATATURK , by Andew Mango, John Murray ( Publishers) London- 2004

6-https://tribune.com.pk/story/2191514/kashmiri-origin-pathan-first-reporter-turkeys-century-old-media-organization

7- https://en.wikipedia.org/wiki/Abdur_Rahman_Peshawari

8- یادداشت‌های شخصی نگارنده

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

شاه امان الله و مصطفی کمال اتاترک

شاه امان الله خان و مصطفی کمال اتاترک ( سفر رسمی ترکیه – جوزای 1307 هـ ش)



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

عبدالرحمن پشاوری در لباس نیروهای رزمی ترکیه

الحاج غلام صمدانی پدر عبدالرحمن پشاوری در میان فرزندانش. شخص اول ایستاده از طرف راست: عبدالرحمن پشاوری



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

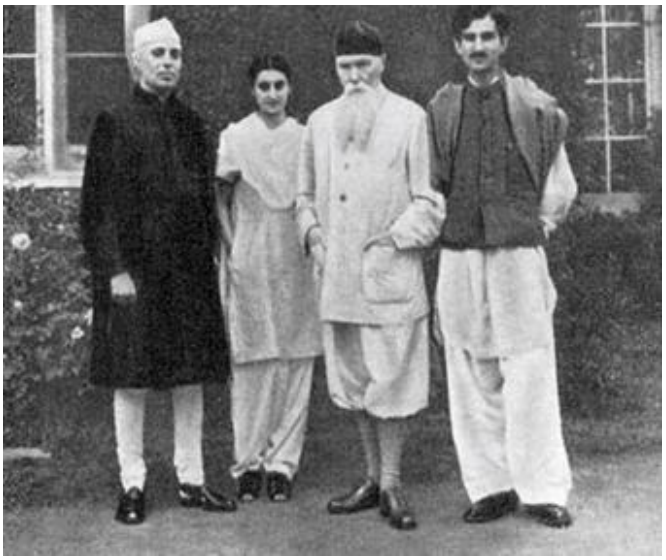

از راست به چپ : یونس خان (برادر کوچک عبدالرحمن پشاوری) نهرو {؟}، ایندرا گاندی و جواهر لال نهروعبدالرحمن پشاوری

عبدالرحمن پشاوری

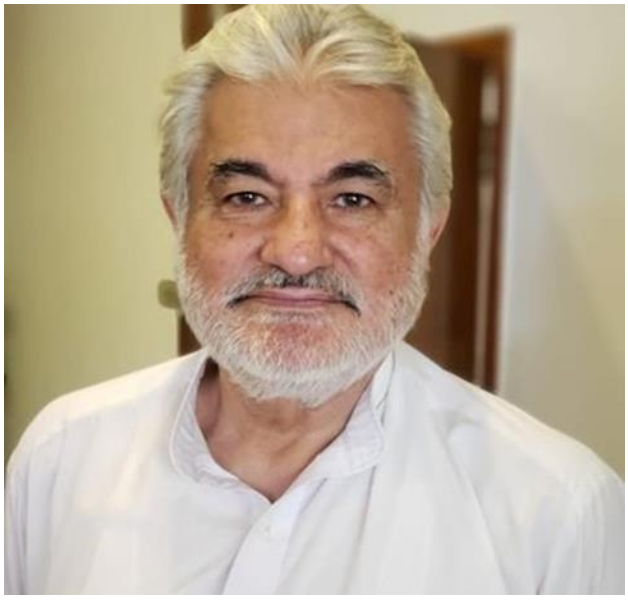

محمد سلیم جان پسر یحیی جان و برادرزادۀ عبدالرحمن پشاوری

آرامگاه عبدالرحمن پشاوری در استانبول

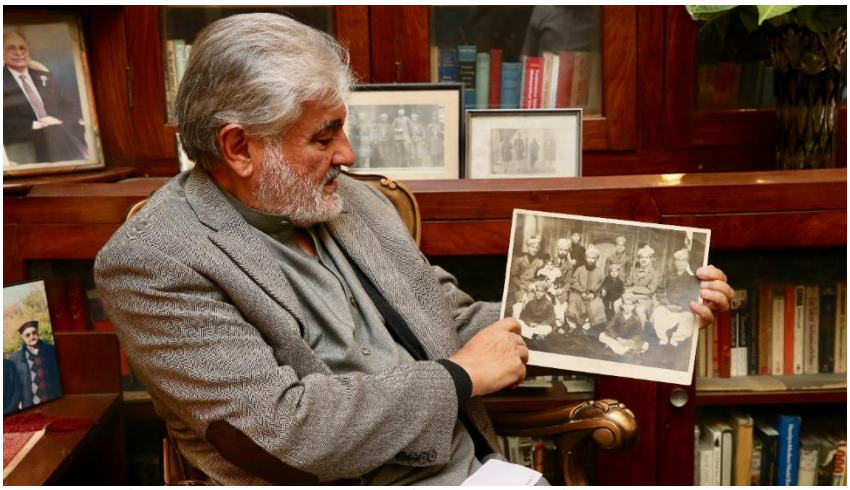

محمد سلیم جان (داماد خان عبدالغفار خان) در حال مصاحبه در مورد کاکایش عبدالرحمن پشاوری



افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ